

بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد، استان لرستان

موسی سبزی^I، اسماعیل همتی ازندریانی^{II}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.17643.1844
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴
 (از ص ۹۱ تا ۱۱۲)

چکیده

I. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران.
 II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان ایران (نویسنده‌ی مسئول).
 E.Hemati@basu.ac.ir

نقوش صخره‌ای از نظر انجام مطالعات تاریخ هنر، باستان‌شناسی و مطالعات انسان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از مشهودترین مدارک در نمایش مفاهیم باستان‌شناسی اجتماعی محسوب می‌گردند. این‌گونه نقوش از کهن‌ترین آثار تاریخی و هنری به‌جای مانده از بشر هستند که نمونه‌های متعددی از آن‌ها در نقاط مختلف پراکنده هستند. طی بررسی‌های باستان‌شناسی در شهرستان بروجرد در بهار و تابستان ۱۳۹۵ چندین مجموعه از سنگ‌نگاره‌ها (کنده‌نگاره و فنجان‌نما) در فواصل مختلف به شعاع کمتر از ۲۰ کیلومتری از شهر بروجرد شناسایی شد که این سنگ‌نگاره‌ها عمدتاً در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی واقع شده‌اند. سنگ‌نگاره‌ها دارای نقش‌مایه‌ها و موضوعات متعددی از جمله: نقوش انسانی (کماندار، سواره و پیاده و غیره)، حیوانی (بزسانان، گوزن، سگ و غیره)، سنگ‌نبشته‌ها، نقوش هندسی، نمادین و فنجان‌نماها هستند. کلیه‌ی نقوش مورد مطالعه بر روی صخره‌های جدا افتاده از هم در فضای باز و در اندازه‌های مختلف به صورت منفرد و موضوعی ایجاد شده‌اند. روش پژوهش در این مقاله به صورت میدانی و هم‌چنین مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از گزارش‌ها، کتب و مقالات منتشر شده در این زمینه بوده است؛ هم‌چنین در این مقاله سعی شده است به پرسش‌هایی از قبیل: شیوه و سبک ایجاد سنگ‌نگاره‌ها چگونه بوده است؟ سنگ‌نگاره‌های بروجرد در چه دوره‌ای ایجاد گردیده‌اند؟ نقوش سنگ‌نگاره‌های بروجرد با کدام مناطق قابل مقایسه هستند؟ پاسخ داده شود. با مطالعات انجام شده مشخص گردید عمده نقوش شناسایی شده در شهرستان بروجرد به‌روش کوبشی، کنده‌کاری و یا خراش بر سطح تخته‌سنگ‌ها ایجاد شده‌اند. نقوش این مجموعه به دلیل میزان هوازگی و نوع ایجاد آن‌ها به نظر می‌رسد که مربوط به دوره‌های مختلفی باشند و هم‌چنین به دلیل وجود نداشتن مطالعات آزمایشگاهی در ایران نمی‌توان تاریخ‌گذاری مشخصی را برای آن‌ها در نظر گرفت. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته می‌توان گفت که نقوش این مجموعه از نظر کمی و کیفی با نقوش صخره‌ای مناطق مختلف ایران به‌ویژه غرب ایران (ازندریان ملایر، ارگس ملایر، دره‌ی دیوین و دره‌ی دوستعلی همدان و مرکز ایران مانند: سنگ‌نگاره‌های تیمره و خمین) و حتی خارج از مرزهای کنونی ایران قابل بررسی و تحلیل هستند که نگارندگان در این نوشتار ابتدا سنگ‌نگاره‌های منطقه‌ی مورد مطالعه را معرفی می‌کنند و سپس به تحلیل آن‌ها می‌پردازند.

کلیدواژگان: استان لرستان، بروجرد، سنگ‌نگاره، فنجان‌نما، نقوش انسانی، نمادین.

مقدمه

سنگ‌نگاره‌ها، آفریده‌ی انسان بر بوم‌سنگی و صخره‌ای است که آفرینش آن می‌تواند اهداف متعدد مادی و معنوی داشته باشند و به‌عنوان یک هنر، زبان مشترک و الگویی تکرارشونده در نقاط مختلف ایران و سایر نقاط جهان هستند که نمود آن‌ها در قالب نقش‌مایه‌های انسانی، حیوانی، نمادین و نبشته‌ها با کیفیت و کمیت‌های مختلفی بیان می‌شوند (محمدی‌فرو و هم‌تیمی ازندریانی، ۱۳۹۶) که به‌طورکلی موضوعات نقوش این سنگ‌نگاره‌ها متأثر از شرایط جغرافیایی، فرهنگی و زیست‌محیطی هر منطقه هستند و از نظر تاریخی نیز نقوش صخره‌ای محدوده‌ی زمانی از دوران پارینه‌سنگی تا به امروز را دربر می‌گیرند؛ اگرچه تاریخ‌گذاری مطلق این‌گونه نقوش بنا به دلایل مختلفی مشکل است. به‌طورکلی سنگ‌نگاره‌ها در یک گستره‌ی وسیع جغرافیایی و در بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی، اروپا، آفریقا و... قابل مشاهده‌اند. این نقوش اغلب بر روی صخره‌های واقع در فضای آزاد نقش شده و می‌توانند بیانگر وقایع تاریخی خاص، داستان‌ها و اساطیر، مشخص‌کننده‌ی یک قلمرو معین و یا مربوط به انجام آئین‌ها مذهبی خاص باشند. با وجودی که ظاهراً برخی از این نقوش حاکی از وقوع رخداد‌های واقعی هستند، تعداد دیگر از آن‌ها کاملاً تجربیدی و انتزاعی‌اند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۱۵).

یکی از مهم‌ترین شواهد فرهنگی و تاریخی استان لرستان سنگ‌نگاره‌هاست که نقوش صخره‌ای شناسایی شده در این منطقه عموماً از نوع رنگین‌نگاره‌ها هستند و از جاهای مختلفی مانند غارهای دوشه، میرماس، مجموعه نقوش هومیان و... گزارش شده‌اند (ایزدپناه، ۱۳۴۸؛ Remacle et al., 2007). مشخصاً موضوع هنر صخره‌ای در لرستان، از سنگ‌نگاره‌های ذکر شده در سطور پیشین که بگذریم، تقریباً به‌کلی ناشناخته است و این درحالی‌ست که در سال‌های اخیر مطالعات روشمندی چه در داخل و چه در خارج از مرزهای ایران انجام شده است؛ اما این بحث در استان لرستان به‌دلایلی مانند عدم مطالعات هدفمند، عدم تاریخ‌گذاری تطبیقی و... مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و تاکنون فعالیت منسجمی مربوط به مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای استان لرستان به انجام نرسیده و نیاز است تا پژوهش‌های میدانی منسجم و جامعی با این هدف، در سطح گسترده‌ای انجام پذیرد؛ هر چند که در سال‌های اخیر محوطه‌های متعددی توسط نگارندگان بررسی، شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفته است (Sabzi & Hemati Azandaryani, 2017; Sabzi et al., 2018; Bahrami & Sabzi, 2019; سبزی و همکاران، ۱۳۹۴).

نقوش صخره‌ای بروجرد نیز تاکنون به دلیل عدم انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی دقیق در منطقه ناشناخته مانده‌اند و بر این اساس تاکنون در فهرست آثار میراث فرهنگی نیز به ثبت نرسیده‌اند که در ادامه، نگارندگان به معرفی، بررسی و تحلیل این نگاره‌ها در این منطقه می‌پردازند.

پرسش‌های پژوهش: پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های پیش‌روست:

- ۱- شیوه و سبک ایجاد سنگ‌نگاره‌ها چگونه بوده است؟ ۲- سنگ‌نگاره‌های بروجرد در چه دوره‌ای ایجاد گردیده‌اند؟ ۳- نقوش سنگ‌نگاره‌های بروجرد با کدام مناطق قابل مقایسه هستند؟

روش پژوهش: روش پژوهش در این نوشتار با استفاده از فعالیت‌های میدانی (بررسی، شناسایی، مستندنگاری و طراحی) و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای با بهره‌مندی از گزارش‌ها، کتب و مقالات منتشر شده در این زمینه به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به معرفی، توصیف، طراحی و مقایسه سنگ‌نگاره‌های نویافته شهرستان بروجرد پرداخته شده است.

پیشینه‌ی پژوهشی

تاکنون سنگ‌نگاره‌های نسبتاً زیادی در سراسر ایران مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است و شروع این پژوهش‌ها در ایران نخستین بار توسط هیأت ایتالیایی‌ها انجام شده که در سال ۱۹۵۸ م. تعدادی نقوش صخره‌ای را در منطقه‌ی گزو (روستای گزو در فاصله‌ی حدود ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان خاش واقع شده است) کشف کردند (Dessau, 1960). از دیگر فعالیت‌ها و پژوهش‌های انجام شده در مورد نقوش صخره‌ای در ایران می‌توان به سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای محوطه‌ی تاریخی تیمره (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۶)، سنگ‌نگاره‌های ارسباران (رفیع‌فر، ۱۳۸۴)، سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند (لباف‌خانکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴)، نقوش صخره‌ای سیرجان و شهر بابک (فرهادی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۹)، نقوش دره‌ی دیوین الوند (صراف، ۱۳۷۶: ۳۱۰-۳۰۴)، سنگ‌نگاره‌های پیش‌ازتاریخ کردستان (لحافیان، ۱۳۷۹: ۱۴-۲۰)، نقوش صخره‌ای هورانند کلیبر (رفیع‌فر، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۲۲)، نقوش صخره‌ای میوله (شیدرنگ، ۱۳۸۶: ۵۵-۶۱)، نقوش صخره‌ای کوه دختر رشم (روستایی، ۱۳۸۶: ۹۵-۹۰)، بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای استان کردستان (قسیمی، ۱۳۸۵: قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۱-۸۱؛ Ghasimi, 2007: 89-106)، نقوش صخره‌ای کوه قلعه‌بزی اصفهان (محمدی‌قصریان، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۲)، سنگ‌نگاره‌های مجموعه‌ی B آرگس سفلی (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۲۱)، سنگ‌نگاره‌های دره‌ی دوستعلی (Hemati Azandaryani et al., 2014: 13-18)، سنگ‌نگاره‌های ازندریان ملایر (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۳: Hemati Azandaryani et al., 2015: 202-206) و... اشاره کرد. در مورد پیشینه‌ی نقوش صخره‌ای در لرستان نیز بایستی گفت که «مک‌بورنی» پس از بررسی نقوش صخره‌ای غارهای دوشه و میرملاس در سال ۱۹۶۹ م.، در گزارش مقدماتی، کار خود را اولین گزارش مقدماتی درباره‌ی نقوش صخره‌ای ایران می‌داند (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴-۱۶). نقوش صخره‌ای هومیان، میرملاس و دوشه در سال ۱۳۴۸ ه.ش. توسط «حمید ایزدپناه» مجدداً مورد بازدید و مطالعه قرار گرفته‌اند (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۷۳-۱۷۶ و ۳۰۷-۳۲۱). از دیگر پژوهش‌های مهم و مرتبط با نقوش صخره‌ای در لرستان می‌توان به بررسی و مطالعه‌ی نقوش کشف شده‌ی هومیان اشاره کرد که در ۲/۵ کیلومتری شمال غربی پناهگاه سنگی هومیان واقع شده‌اند (گاراژیان و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۸۴). هم‌چنین در سال ۱۳۸۳ ه.ش. گروهی از دانشگاه «لیژ» بلژیک با سرپرستی «مارسل اوت» و با همکاری «جلال عادل» به منطقه‌ی هومیان رفتند که حاصل این تحقیقات در سال ۲۰۰۳ م. به چاپ رسید (Otte et al., 2003: 8-12). در سال ۱۳۸۴ ه.ش. نیز هیأت مشترک بررسی ایرانی

و بلژیکی در منطقه‌ی کوه‌دشت تعدادی آثار جدید را شناسایی کردند (Remacle et al., 2006)؛ هم‌چنین این هیأت در سال ۱۳۸۷ ه.ش. و در سومین فصل بررسی نقاشی‌های صخره‌ای هومیان را بررسی کردند که این بررسی جدیدترین کار انجام شده در هومیان به حساب می‌آید که متأسفانه تاکنون گزارش آن منتشر نشده است. در سال‌های اخیر نیز برخی محوطه‌ها توسط نگارندگان بررسی، شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (Bahrami & Sabzi, 2019: سبزی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به انجام پژوهش‌های متعدد مذکور - به‌ویژه در غرب ایران و استان لرستان - متأسفانه هیچ‌گونه اشاره و پژوهش ویژه‌ای در مورد سنگ‌نگاره‌های بروجرد انجام نگرفته است.

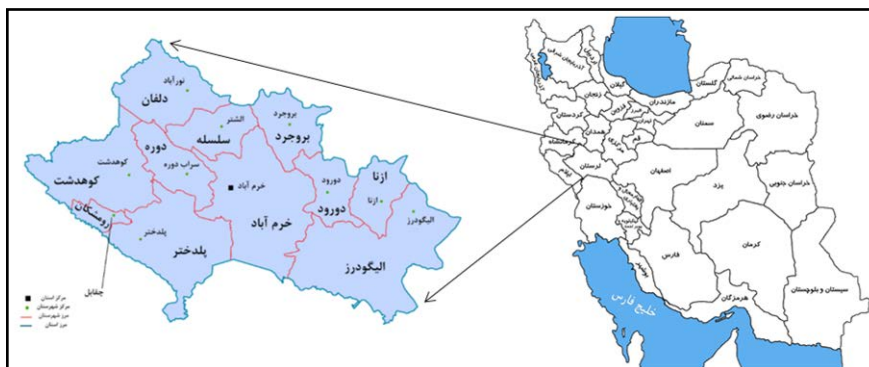
موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی مورد مطالعه

شهرستان بروجرد در شمال استان لرستان و در موقعیت ۴۸ درجه و ۴۵ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۳ درجه و ۵۳ دقیقه‌ی عرض شمالی در غرب ایران واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های ملایر و نهاوند در استان همدان، از شرق به شهرستان اراک در استان مرکزی، از جنوب به شهرستان‌های درود و خرم‌آباد و از غرب نیز به شهرستان‌های خرم‌آباد و سلسله در استان لرستان محدود می‌شود. این شهرستان دارای ۱۷۰۱/۴۶ کیلومتر مربع وسعت و دارای دو بخش مرکزی و اشترینان و هفت دهستان (همت‌آباد، والانجرد، دره‌صیدی، گودرزی، شیروان، برده‌سره و اشترینان) است که حدود یک-سوم سطح شهرستان را ارتفاعات و تپه‌ماهورها و دو-سوم آن را دشت‌های کوچک و بزرگ تشکیل می‌دهد. بروجرد با ۱۵۴۰ متر ارتفاع از سطح دریا دارای آب‌وهوای سرد کوهستانی است که بلندترین نقطه‌ی شهرستان بروجرد قله‌ی ولاش با ارتفاع ۳۶۲۳ متر در کوه گرین در غرب شهر بروجرد و پست‌ترین ناحیه در دشت سیلاخور با ارتفاع تقریبی ۱۵۰۰ متر قرار دارد. نقوش صخره‌ای مورد مطالعه در این پژوهش در دهستان‌های دره‌صیدی (روستاهای دودانگه و قپانوری) و والانجرد (روستاهای دهکرد و بیچون) در بخش مرکزی و روستای کمره از توابع دهستان اشترینان بروجرد در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای و در مجاورت دره‌های سرسبز با منابع آب جاری واقع شده‌اند (برگرفته از سایت فرمانداری شهرستان بروجرد: <http://borujerd.gov.ir>)، (نقشه ۱ و ۲).

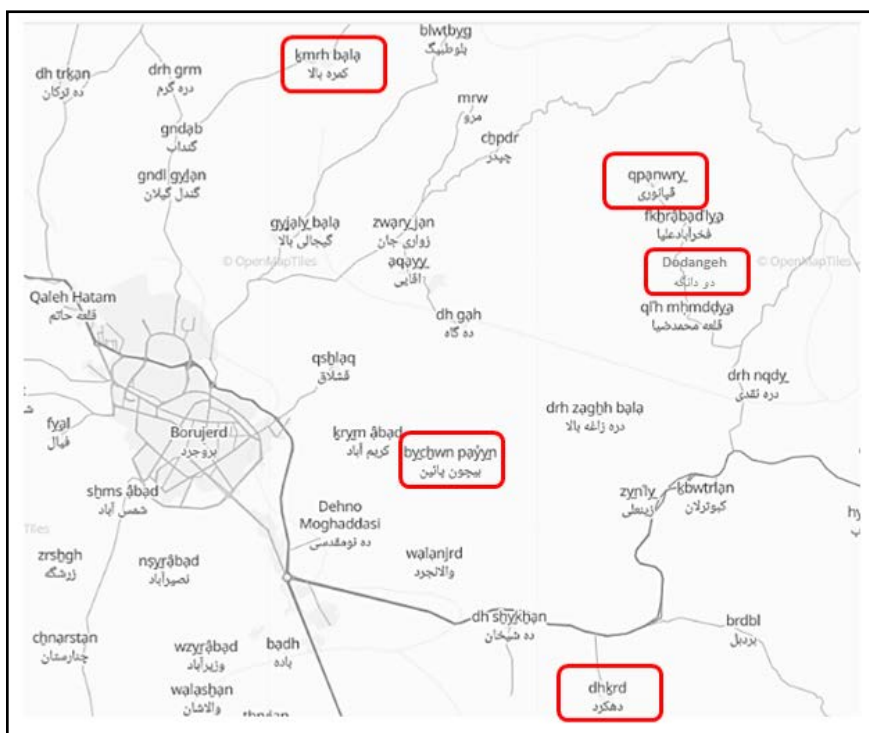
سنگ‌نگاره‌های بروجرد

براساس پروژه‌های بررسی و شناسایی انجام‌گرفته در شهرستان بروجرد، به هیچ‌کدام از سنگ‌نگاره‌ها اشاره‌ای نشده است؛ اما بنابر گزارش بومی‌ها منطقه و بازدیدهای اولیه از این آثار توسط «والله تیموری» از نیروهای یگان حفاظت باعث شد تا نگارندگان به بررسی دقیق و سیستماتیک این منطقه بپردازند و موفق به شناسایی ۵ محدوده‌ی دارای سنگ‌نگاره‌ها با نقوش متنوع شوند که در ادامه به تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت (برخی از تصاویر و طرح‌های این ۵ محدوده به دلیل خاص بودن نقوش، اهمیت نقش و... ارائه گردیده است).

► نقشه ۱. نقشه‌ی ایران و موقعیت قرارگیری استان لرستان در آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).



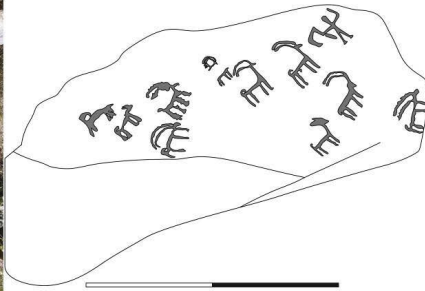
► نقشه ۲. شهرستان بروجرد و موقعیت قرارگیری سنگ‌نگاره‌ها در آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).



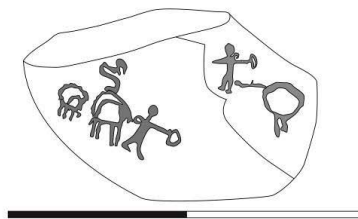
بیچون بالا

سنگ‌نگاره‌های بیچون در روستایی به همین نام و در ناحیه‌ای کوهستانی در یک مجموعه‌ی منسجم برروی صخره‌هایی مجزا در مجاورت این روستا و در مختصات جغرافیایی "23° 53' 33' N" و "22° 50' 48' E" و ارتفاع ۱۷۲۳ متری از سطح آب‌های آزاد در شهرستان بروجرد، بخش مرکزی، دهستان والانجرد واقع شده است. این سنگ‌نگاره‌ها از دو مجموعه تشکیل شده‌اند که یک بخش در فاصله‌ی حدود ۸۰۰ متری شمال شرقی روستا (در محدوده‌ای به وسعت ۴۰۰ × ۳۰۰ متر) و مجموعه‌ی دیگر در فاصله‌ی حدود ۶۰۰ متری جنوب شرقی روستای بیچون واقع شده‌اند که شامل مجموعه‌ای از نقوش: حیوانی، انسانی، نمادین و سنگ‌نوشته هستند که برروی ۸۶ صخره (مجموعه‌ی شمال شرقی ۴۹ صخره و مجموعه‌ی جنوب شرقی ۳۷ صخره) حکاکی شده‌اند. هر دو مجموعه در زمین‌های غیرقابل کشت و برروی تخته‌سنگ‌های پراکنده و مجزا واقع شده‌اند. منبع تأمین آب هر

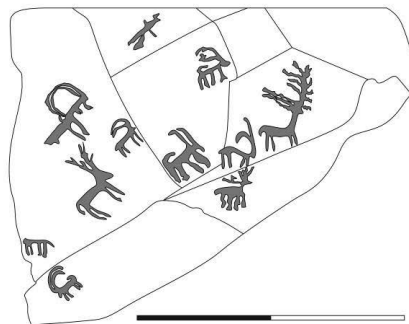
دو مجموعه نیز چشمه‌سارهای متعدد و از جمله چشمه‌ی پُرابی است که از سمت جنوب شرقی مجموعه‌ی شمال شرقی روستا است که به سمت جنوب ادامه دارد و از وسط مجموعه‌ی جنوب شرقی عبور می‌نماید. متأسفانه به دلیل عدم شناسایی و مطالعه‌ی این نگاره‌ها این مجموعه به شدت در حال تخریب است؛ به طوری که بسیاری از تخته‌سنگ‌ها واژگون و تخریب شده‌اند (تصاویر ۱، ۲ و ۳).



تصویر ۱. نگاره بزسانان با شاخ‌های اغراق‌آمیز، بیچون بالا (نگارندگان، ۱۳۹۵).



تصویر ۲. نگاره‌های انسانی در مجاورت نقوش نمادین و بزسانان، بیچون بالا (نگارندگان، ۱۳۹۵).

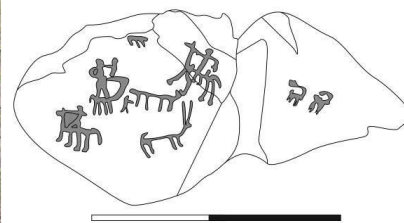


تصویر ۳. نگاره گوزن‌سانان در مجاورت نقوش بزسانان و نقش‌مایه انسانی، بیچون بالا (نگارندگان، ۱۳۹۵).

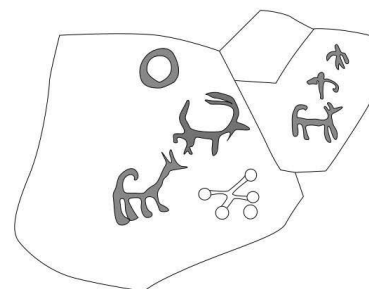
دودانگه (قلعه آجری)

سنگ‌نگاره‌های دودانگه (قلعه آجری) در مختصات جغرافیایی $33^{\circ} 55' 31''$ N و $48^{\circ} 57' 15''$ E و ارتفاع ۲۲۰۱ متری از سطح آب‌های آزاد در شهرستان بروجرد، بخش مرکزی، دهستان دره‌ی صیدی واقع شده است. این مجموعه در فاصله‌ی یک کیلومتری شرق روستای دودانگه (در فاصله‌ی حدود ۱۷ کیلومتری شمال شرق شهر بروجرد به خط مستقیم) قرار دارد. سنگ‌نگاره‌های مذکور در محدوده‌ای به وسعت حدود 23×15 متر بر روی صخره‌های پراکنده و مجزا از هم و بر روی بیش از ۵۰

تخته‌سنگ حک شده‌اند و موضوعات آن‌ها شامل: نقوش انسانی (کماندار، سواره و ایستاده)، حیوانی (بز، گوزن و سگ و...)، سنگ‌نبشته‌ها، نقوش هندسی، نمادین و فنجان‌نما است. منبع تأمین آب این مجموعه، چشمه‌های متعدد در شرق و غرب این سنگ‌نگاره‌ها است. گفتنی است که این مجموعه نیز در منطقه‌ای مرتع و غیرقابل کشت و مناسب دامداری واقع شده و شواهد آبشخورهای متأخر نیز در شرق این مجموعه نیز به چشم می‌خورد (تصاویر ۴ و ۵).



► تصویر ۴. نگاره‌ی انسانی سوار بر اسب سان در مجاورت نگاره‌ی بزسانان، دودانگه (نگارندگان، ۱۳۹۵).



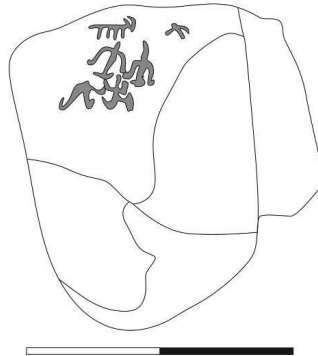
► تصویر ۵. فنجان‌نماها در مجاورت نگاره‌های حیوانی، دودانگه (نگارندگان، ۱۳۹۵).

کمره

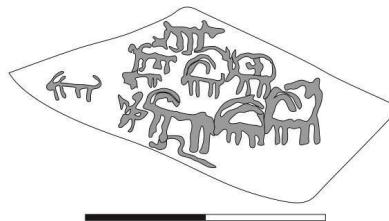
سنگ‌نگاره‌های کمره در شمال شرقی شهر بروجرد و در روستایی به همین نام با مختصات جغرافیایی "N: 33° 59' 49" و "E: 48° 47' 56" و ارتفاع ۲۰۰۸ متری از سطح آب‌های آزاد در شهرستان بروجرد، دهستان اشترینان و در روستای کمره واقع شده‌اند. سنگ‌نگاره‌های کمره در دو بخش بالا و پایین هستند که بخش سنگ‌نگاره‌های بالا در محدوده‌ای به وسعت حدود ۹۰×۱۴ متر بر روی حدود ۳۰ صخره‌ی آهکی منفرد به تصویر کشیده شده‌اند و مجموعه‌ی پایین بر روی ۵ تخته‌سنگ ایجاد شده‌اند. موضوعات آن‌ها شامل نقوش: انسانی، حیوانی، سنگ‌نبشته‌ها، نقوش نمادین و فنجان‌نماست. این سنگ‌نگاره‌ها در محدوده‌ی یک دره‌ی نسبتاً کوچک در قسمت جنوب و جنوب شرقی روستای کمره‌ی بالا و در منطقه‌ای مرتع و غیرقابل کشت و مناسب دامداری و شکار واقع شده‌اند (تصاویر ۶، ۷، ۸ و ۹).

قیانوری

سنگ‌نگاره‌های قیانوری در دو مجموعه و در روستایی به همین نام و با مختصات



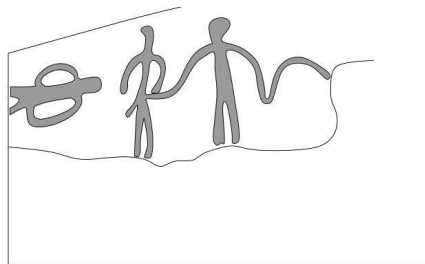
تصویر ۶. نقوش نمادین در کنار نقوش حیوانی،
کمره (نگارندگان، ۱۳۹۵).



تصویر ۷. نگاره‌های حیوانی از مجموعه‌ی کمره
(نگارندگان، ۱۳۹۵).



تصویر ۸. گروه اصلی از نگاره‌های انسانی،
حیانی و نمادین در کمره (نگارندگان، ۱۳۹۵).



تصویر ۹. نگاره‌های انسانی با دست‌های
به‌هم‌پیوسته (احتمالاً نوعی رقص آئینی)
در کمره (نگارندگان، ۱۳۹۵).

جغرافیایی "N: 33° 57' 50" و "E: 48° 54' 19" و ارتفاع ۲۱۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد در استان لرستان، شهرستان بروجرد، بخش مرکزی، دهستان دره‌صیدی قرار دارند. این سنگ‌نگاره‌ها از دو مجموعه‌ی مجزا و دور از هم تشکیل شده‌اند که یک مجموعه در فاصله‌ی حدود ۷۵۰ متری جنوب روستا (در محدوده‌ای به وسعت حدود ۸۰×۱۰۰ متر که بر روی بیش از ۲۰ صخره‌ی حکاکی شده‌اند. بیشترین نقوش این مجموعه بر روی یک تخته سنگ که بزرگ‌ترین تخته سنگ در آن منطقه نیز به حساب می‌آید، قرار دارند و مجموعه‌ی دیگر نیز در فاصله‌ی حدود ۳۰۰ متری شمال غربی روستا (در محدوده‌ای به وسعت حدود ۳۰×۴۰ متر بر روی ۶ تخته سنگ نسبتاً بزرگ) واقع شده‌اند که شامل مجموعه‌ای از نقوش: حیوانی، انسانی، نمادین و سنگ‌نوشته هستند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

چغا کافران

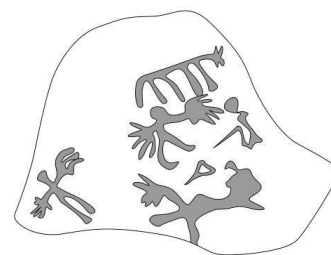
این مجموعه در روستای دهکرد و مختصات جغرافیایی "N: 33° 50' 20" و "E: 48° 54' 08" و ارتفاع ۱۸۵۰ متری از سطح دریا و در شهرستان بروجرد، بخش مرکزی،



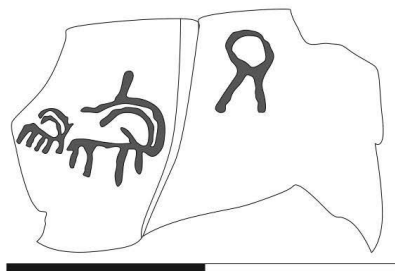
► تصویر ۱۰. گروه اصلی از سنگ‌نگاره‌های قپان‌وری با نقش‌مایه‌های نمادین، انسانی و حیوانی (نگارندگان، ۱۳۹۵).



► تصویر ۱۱. نگاره‌های انسانی با دست‌های اغراق‌آمیز در مجاورت نگاره‌بزرسانان در قپان‌وری (نگارندگان، ۱۳۹۵).



دهستان والانجرد واقع شده است. نقوش این مجموعه بر روی صخره‌های آهکی منفرد در فاصله‌ی حدود ۹۰۰ متری غرب روستای دهکرد و در محدوده‌ای به وسعت حدود ۲۳۰×۱۵۰ متر بر روی صخره‌های پراکنده و مجزا از هم و بر روی بیش از ۵۰ تخته سنگ قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲. نگاره‌ی نمادین چغاکافران در مجاورت نقش‌مایه‌ی بزسانان (نگارندگان، ۱۳۹۵).

شیوه و سبک کلی ایجاد سنگ‌نگاره‌ها

ایجاد سنگ‌نگاره‌ها در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و این نقوش در اکثر نقاط کشور پراکنده هستند و به‌طور کلی عوامل متعددی در انتخاب مناطق برای ایجاد سنگ‌نگاره‌ها (مانند: وجود چراگاه، شکارگاه، آبشخور و...) پُر اهمیت می‌باشد. به‌طور کلی در مورد چگونگی ایجاد نقوش و نحوه‌ی کنده‌کاری روی صخره‌ها اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما آن‌چه در ایجاد سنگ‌نگاره‌ها مسلم است این‌که نقوش در جاهای مختلف براساس شرایط موجود انجام گرفته و مسلماً ابزار و یا شیئی (فلزی و یا سنگ) با میزان سختی بیشتر از جنس سنگ‌ها و صخره‌ها بوده که توانسته بر روی آن‌ها نقش‌اندازی کند. نقوش صخره‌ای شهرستان بروجرد عمدتاً به‌روش خراشیدن، کندن، ساییدن و بریدن می‌باشند که منجر به ایجاد تصاویر مختلفی بر روی صخره‌ها شده‌اند؛ هر چند که کیفیت و شیوه‌های ایجاد نقوش در صخره‌ها و مکان‌های مختلف با هم تفاوت دارند. شایان ذکر است که بیشترین نمونه‌های هنر صخره‌ای در ایران و حتی جهان نیز به‌روش کنده‌کاری ایجاد شده‌اند (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۳: ۱۲) و این شیوه متداول‌ترین و رایج‌ترین شیوه در ایجاد سنگ‌نگاره‌هاست. در مورد سبک ایجاد نقوش مورد مطالعه هم بایستی گفت که سبک به‌کار گرفته شده اکثراً به‌شیوه‌ی انتزاعی و مسبک، برپایه‌ی ساده کردن تصاویر و اجزای آن‌ها بوده است و عمده‌ی تصاویر نیز به‌مانند دیگر مناطق ایران به‌صورت کاملاً استلیزه و نمادین ترسیم شده‌اند. صخره‌هایی که نقوش بر آن‌ها حک شده از جنس شیست و فلیت هستند که رنگ آن‌ها در طیف خاکستری تا قهوه‌ای تیره قابل تقسیم‌بندی است. این صخره‌ها در اندازه‌های مختلف در ابعاد بزرگ، متوسط و کوچک که به‌طور نامنظم در شیب دامنه‌ی کوه‌ها و دو طرف رودخانه‌ها پراکنده‌اند، ایجاد شده‌اند. بر روی تعدادی از آن‌ها سنگ‌نگاره‌هایی با موضوعات مختلف و شیوه‌های متفاوت ترسیم شده که هوازدگی، عوامل فرسایشی و گذشت زمان زیاد باعث کم‌رنگ شدن نقوش و ترک‌خوردگی این صخره‌ها شده که قسمت‌هایی از نقوش موجود بر روی آن‌ها به

این طریق از بین رفته و یا در حال نابودی است. لازم به ذکر است که به دلیل میزان هوازدگی مختلف می‌توان احتمال داد که نقوش روی یک صخره معمولاً مربوط به یک دوره‌ی خاص نیست و به‌طور مکرر و در دوره‌های مختلف بر روی یک صخره‌ی واحد نقش‌اندازی شده است که این امر بیانگر شیوه سنت ترسیم نقوش در مناطق مورد مطالعه است.

مطالعه‌ی نقوش

سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه‌ی شهرستان بروجرد به دو گروه منفرد و دسته‌جمعی قابل تقسیم‌بندی‌اند؛ و از نظر محتوی نقش‌مایه می‌توان آن‌ها را در گروه‌های مختلف شامل نقوش: حیوانی، انسانی، سنگ‌نیشته‌ها، نقوش هندسی، نمادین و فنجان‌نماها هستند. آنچه مسلم است، انسان‌های هنرمند نخستین معمولاً جز به نقاشی جانورانی که در زندگی روزمره‌ی معیشتی خود با آن سروکار داشته‌اند، مشغول نمی‌شدند (لوراگوران، بی‌تا) که با مشاهده و بررسی سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه در این پژوهش، این موضوع به عینه ملموس می‌گردد؛ چراکه تمامی تصاویر حکاکی شده دقیقاً همان‌هایی هستند که به‌طور مستقیم با انسان (حیوانات مرتبط با زندگی عشایری مانند: بز، گوسفند، اسب، سگ و...) و یا به‌نحوی با موضوع شکار (مانند گوزن) و زندگی روزمره‌اش مرتبط بوده‌اند و در بین تمامی نقوش موجود (به‌غیر از نقش گوزن که امروزه در زیست‌محیط منطقه وجود ندارد)، تقریباً تمام گونه‌های منقوش دیگر هنوز در منطقه‌ی مورد مطالعه به حیات خود ادامه می‌دهند. نکته‌ی جالب‌توجه در بررسی سنگ‌نگاره‌های بروجرد این است که در بین تمامی نقوش مورد مطالعه از نقوش درخت، گیاه و پرندگان اثری به چشم نمی‌خورد.

نقوش حیوانی

نقوش حیوانی از دیرباز در هنر ایرانی اهمیت داشته و آنچه در سنگ‌نگاره‌های بروجرد به چشم می‌خورد آن است که سبک ترسیم نقوش حیوانی بروجرد نیز به‌مانند دیگر مناطق ایران عموماً به‌صورت انتزاعی و ساده هستند و تناسبی بین اندام‌های آن‌ها به چشم نمی‌خورد و تمامی این نوع از نقوش به‌صورت نیم‌رخ به تصویر کشیده شده‌اند که در حالت‌های مختلفی (حالات سکون و متحرک) نشان داده شده‌اند و هیچ اثری از نقوش سه‌بعدی به چشم نمی‌خورد. این نقوش شامل حیواناتی از قبیل: بزسانان، سگ، اسب، گوزن و... هستند (جدول ۱) و فراوانی نقوش در این منطقه نیز به‌مانند دیگر مناطق عمدتاً مربوط به نگاره‌ی بز و بزکوهی در حالت‌های مختلف با شاخ‌های بزرگ و کشیده و بدون تناسب با بدن به سبک‌های گوناگون است که پژوهشگران، فراوانی نقش بزکوهی در هنر صخره‌ای را به دلیل نقش نمادین و آئینی بزکوهی در فرهنگ اساطیری ایران دانسته‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۲۴). نگاره‌ی بزسانان مشابه نقش‌مایه‌ی بزسانانی است که در یک مقیاس وسیعی در نقاط مختلف فلات ایران و آسیای مرکزی شناسایی شده است. لازم به ذکر است که این نقش از دیرباز بر سنگ‌نگاره‌ها، ظروف سفالی، ظروف فلزی، گلیم



تصویر ۱۳. نگاره‌ی نمادین چغاکافران در مجاورت نقش‌مایه‌ی بزرسانان (نگارندگان، ۱۳۹۵).

و... وجود داشته و با توجه به عقاید و آئین مردمان گذشته به‌عنوان نماد باران، باروری و فراوانی، شکل‌گرفته و از نسلی به نسل دیگر در هنر باستان انتقال یافته است (افضل طوسی، ۱۳۹۰: ۱-۴). به‌طور کلی نقش بزکوهی سابقه‌ای دیرینه در هنر لرستان دارد و بر روی نقوش صخره‌ای شناسایی شده (در مناطق مختلف مانند کوه‌دشت)، بر روی مفرغ‌ها و مجسمه‌های مختلف مکشوف، بر روی اشیاء سفالی مورد استفاده قرار گرفته است؛ هم‌چنین در اسطوره‌های ایران باستان، از بین ایزدان که در هیبت [به‌شکل] چهارپایان درآمده‌اند می‌توان به ورث‌رغنه (بهرام) ایزد جنگاوری و پیروزی اشاره نمود که موجودی انتزاعی است و یکی از تجسم‌های بزرنگی بوده است (هینلز، ۱۳۷۴: ۷۱)؛ هم‌چنین در برخی موارد صحنه‌های شکار بزکوهی دیده می‌شود که شکار بزکوهی یکی از رایج‌ترین موضوعات هنر صخره‌ای آسیای مرکزی و غربی است که از دوره‌ی نوسنگی به‌بعد تقریباً در تمام نواحی مورد توجه بوده است (بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۲).

نقوش انسانی

از دیگر سنگ‌نگاره‌های مهم و پُرشمار بروجرد می‌توان به نقوش انسانی اشاره کرد که در حالات مختلف به‌صورت تک‌نگاره (فردی) و یا جمعی با موضوعات و صحنه‌های گوناگون (نقوش منفرد، در حال شکار، سواره و...) بر روی صخره‌ها به‌چشم می‌خورد که بدن آن‌ها در حالت‌های نیم‌رخ و تمام‌رخ نشان داده شده است و این دسته از نقوش به‌صورت نقش منفی، توپُر و خطی ایجاد شده‌اند که در اندازه‌های مختلفی و معمولاً هم به‌صورت منفرد (به‌استثنای چند مورد) ترسیم شده‌اند و سبک به‌کاررفته در مورد نقوش انسانی نیز همانند نقوش حیوانی است. نقوش انسانی اکثراً به‌صورت نیم‌رخ هستند و به‌طور کلی تشخیص جنسیت این دسته از سنگ‌نگاره‌ها امکان‌پذیر نیست و با دیگر نگاره‌های انسانی یافت شده در مناطق مختلف ایران، مانند: سنگ‌نگاره‌های ارگس سفلی (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، ازندریان (محمدی فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۳)، دره‌ی دیوین همدان (Rashidi Nejad et al., 2012) و دره‌ی دوستعلی همدان (Hemati Azandaryani et al., 2014)، سنگ‌نگاره‌های نازوئیه شهر بابک (فرهادی، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۲) و ارنان یزد (شهرزادی، ۱۳۷۶) قابل مقایسه هستند؛ اما با توجه به عدم وجود نشانه‌ها و حالات زنانه به‌نظر می‌رسد که نقوش عمدتاً نقوش مردانه به‌نظر می‌رسد. موضوع کلی سنگ‌نگاره‌های انسانی منطقه‌ی مورد مطالعه را صحنه‌هایی مانند: انسان در حال شکار با تیر و کمان، سوارکاری در حالت‌های مختلف مانند

کماندار، نیزه‌دار، ساده و...، انفرادی به صورت پیاده، دست‌به‌کمر و... تشکیل می‌دهند.

نقوش نمادین و هندسی

استفاده از نمادها برای بیان باورها به دیگران، مانند زبان است و تفاوت در آن‌ها برگرفته از تجربیات هر گروه است (مشیری، ۱۳۸۰: ۵). نگاره‌های نمادین در اکثر مجموعه آثار سنگ‌نگاره‌ها به اشکال و طرح‌های مختلف نمایش داده شده است. شاید همین نگاره‌های نمادین نقش تعیین‌کننده‌ای در گاهنگاری آثار بتواند داشته باشد. در واقع نگاره‌های نمادین، علامت و نشانه‌هایی هستند که می‌تواند نماد و یا نشانه‌ی خاصی از فرهنگ‌ها باشند؛ یا دارای محتوا و فلسفه‌ی خاصی در یک حوزه‌ی فرهنگی جغرافیایی مجزا یا مشترک داشته باشد که با مطالعه و مقایسه‌ی این نمادها و یا بررسی تطبیقی آن‌ها می‌توان به بسیاری از اشتراکات فرهنگی، تاریخی و هنری پی برد. هم‌چنین مشکل عمده در برخورد با این نوع نگاره‌ها بحث تفسیر آن‌هاست که در این راستا بایستی محققین با مباحث پیش‌نمونه، کهن‌الگو و تفاسیر هرمنوتیک، قوم‌باستان‌شناسی و انسان‌شناسی آشنایی کافی داشته باشند. بیشتر این نگاره‌ها دارای ریشه‌ی کهن در تمدن و فرهنگ‌های مناطق مختلف است که در یک بستر خاص مکانی و زمانی به وجود آمده‌اند و دارای اشتراکات مفهومی هستند؛ بنابراین برای مطالعه‌ی آن‌ها بایستی به شرایط مختلف زیست‌محیطی، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و... آگاهی داشت. از مهم‌ترین نگاره‌های نمادین در ایران می‌توان به نمادهای خورشید، ماه، ستاره، صلیب شکسته، دوایر متحد‌المركز و... اشاره کرد که همه‌ی این موارد ریشه در فرهنگ کهن پیش‌اتاریخی و تاریخی ایران زمین دارد و نمودهای آن‌را بر روی سفال‌ها، نقوش برجسته، گچبری‌ها، کاشیکاری‌ها، آجرکاری‌ها و... به خوبی می‌توان مشاهده نمود. لازم به ذکر است که در مجاورت نگاره‌های نمادین، نقش‌مایه‌های مشاهده می‌گردد که با نگاره‌های نمادین و الگوهای کهن فوق‌مطابقت ندارند و به درستی نمی‌توان آن‌را نقش‌مایه‌ی نمادین خاصی یکسان پنداشت، اما در بسیاری از مناطق مختلف با تشابه نقشی تکرار شده‌اند (محمدی‌فرو و هم‌ت‌ازندریانی، ۱۳۹۶: ۳۵). از جمله نگاره‌های نمادین این منطقه می‌توان به نگاره‌ی نمادین با نقش دایره‌ای با سه خطی موازی متصل به آن اشاره کرد که در ازندریان ملایر (Hemati Azandaryani et al., 2014)، ارزانفود همدان (Hemati Azandaryani et al., 2016)، آرگس سفلی ملایر (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، در محوطه‌ی تاریخی تیمره در مجموعه‌های تنگ‌غرقاب، شاه‌نشین آشناخور و مورسیاه فرنام (فرهای، ۱۳۷۶) و کوه‌های جوادیک و سرکوبه‌ی خمین (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸) مشاهده شده است (جدول ۲). نقش‌های موجود در منطقه‌ی مورد مطالعه شامل دوایر دارای خطوط عمودی متصل (بین دو تا چهار)، چلیپا و چلیپای شکسته، نقوش مربعی با نقطه‌ای در وسط، دوایر توخالی یا توپُر، نقوش قلبی‌شکل، اشکالی مانند عدد ۸ و U انگلیسی، نقوش هندسی ترکیبی و... است.

ارزانفود همدان (Hemati) Azandaryani et al., 2016	ازندریان ملایر (Hemati) Azandaryani et al., 2015	ارگس ملایر (بیگ‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)	چغا کافران	قیانوری	در منطقه بیجون

جدول ۲. نگاره‌ی نمادین در منطقه‌ی بروجرد و نمونه‌های مشابه با آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

سنگ نبشته‌ها

سنگ نبشته‌ها نیز گروه دیگری از سنگ‌نگاره‌های منطقه‌ی بروجرد محسوب می‌شود که شامل نام اشخاص (زن و مرد) به فارسی هستند که به دلیل میزان هوازدگی کم و پوشش رسوبی موجود بر روی آن‌ها به نظر می‌رسد مربوط به دوره‌های متأخر باشد. این نبشته‌ها گاهی به صورت منفرد و جداگانه و در مواقعی هم در مجاورت سایر نگاره‌ها نقش شده‌اند.

فنجان‌نماها

گروه دیگری از سنگ‌نگاره‌های شناسایی شده، فنجان‌نماها هستند. به گودی‌های ایجاد شده بر روی سطوح صاف صخره‌ها توسط انسان کهن، «فنجان‌نما» گفته می‌شود (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۸). فنجان‌نماها نوعی از هنر پارینه‌سنگی و قدیمی‌ترین هنر صخره‌ای به شمار می‌روند (Bednarik, 2001) که اکثراً در سطح عمودی و شیب‌دار صخره ایجاد می‌شوند و کاربرد فرهنگی دارند و در مناطق مختلف ایران و سایر نقاط دنیا در ابعاد و اندازه‌های مختلف مشاهده گردیده است (لحافیان، ۹۰-۱۳۸۹: ۲) که می‌توانند کارکردهای گوناگونی از جمله کارکردهای آئینی، گاه‌شماری، جهت‌نما، صورفلکی و... داشته باشند. البته در برخی موارد هم می‌توانند مرتبط با زندگی و معیشت مردمان و افرادی باشند که از آن‌ها برای نگه‌داری مایعات، خُرد کردن ساقه‌ی گیاهان، غلات، حبوبات و... باشد (محمدی‌فر و هم‌تیمی ازندریانی، ۱۳۹۶: ۱۸).

در سنگ‌نگاره‌های بروجرد، فنجان‌نماها در مجاورت سنگ‌نگاره‌ها ایجاد شده‌اند و به نظر می‌رسد از نظر زمانی هم با همدیگر مرتبط باشند. این فنجان‌نماها دارای ابعاد و اندازه‌های متفاوت هستند و بر روی پنج تخته‌سنگ (بیچون، دو تخته‌سنگ؛ دودانگه، دو؛ و چغا کافران، یک تخته‌سنگ) ایجاد شده‌اند که برخی از تخته‌سنگ‌ها و صخره‌ها به دلایل نامشخص، به نظر می‌رسد در مکان اولیه‌شان قرار ندارند. در بیچون تخته‌سنگ اول دارای ۱۷ فنجان‌نما با ابعاد متفاوت بر روی سطح نسبتاً صاف تخته‌سنگ ایجاد شده است و در تخته‌سنگ دوم، ۲۲ فنجان‌نما به قطر ۲ تا ۴ و عمق ۵/۵ تا ۱ سانتی‌متر بر روی یک تخته‌سنگ صافی با ابعاد تقریبی ۶۰×۴۰ سانتی‌متر ایجاد شده است. فنجان‌نماهای این تخته‌سنگ به شکل خطی ایجاد شده از یک سمت شروع شده و در سمت دیگر به شکل سه خطی شده است که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از این تخته‌سنگ‌ها نیز در مکان اولیه‌ی خود قرار ندارد؛ هم‌چنین در چغا کافران بر روی یک تخته‌سنگ، ۱۶ فنجان‌نما به قطر ۲ تا ۴ سانتی‌متر ایجاد شده است که در دور ردیف هشت‌تایی جداگانه ایجاد

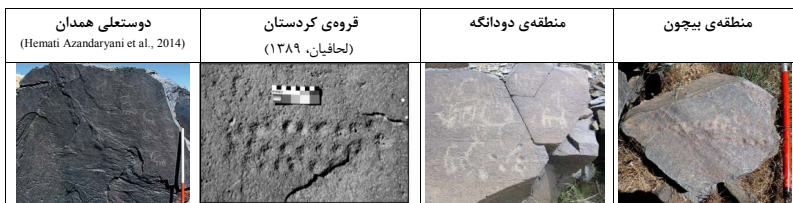
شده‌اند. در دودانگه نیز برروی دو تخته‌سنگ (یک مورد، ۱۴ فنجان‌نما که در دو ردیف جداگانه ایجاد شده‌اند و یک گروه شامل سه ردیف سه‌تایی و دیگری شامل پنج فنجان‌نماست و دیگری ۷ فنجان‌نما بدون شکل خاصی و مجزا از هم) فنجان‌نماهایی با قطرهای مختلف ایجاد شده‌اند (تصاویر ۱۴ و ۱۵). این فنجان‌نماها قابل‌مقایسه با نمونه‌هایی است که در کردستان (لحافیان، ۱۳۸۹؛ Lahafian, 2012) و دره‌ی دوستعلی همدان (Hemati Azandaryani et al., 2014) است (جدول ۳).



► تصویر ۱۴. گروه اصلی از فنجان‌نماهای بیچون (نگارندگان، ۱۳۹۵).



► تصویر ۱۵. تخته‌سنگی با ۲۲ فنجان‌نماهای بیچون (نگارندگان، ۱۳۹۵).



جدول ۳. فنجان‌نماهای بروچرد و نمونه‌های مشابه با آن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵
نام محوطه	بیچون	قیانزوری	چغاگلران	دودانکه (قلعه آجری)	کمره
موقعیت جغرافیایی	N 33 53 23 E 48 50 22	N 33 57 50 E 48 54 19	N 33 50 20 E 48 54 08	N 33 55 31 E 48 57 15	N 33 59 49 E 48 47 56
ارتفاع از سطح دریا (متر)	۱۷۳۳	۲۱۷۰	۱۸۵۰	۲۲۰۱	۲۰۰۸
وضعیت قرارگیری نقوش در منطقه	مربع	مربع	مربع	مربع	مربع
تصاویر انسانی	سواره	*		*	*
	ایستاده	*	*	*	*
	در حال شکار	*	*		*
تصاویر حیوانی	بز	*	*	*	*
	گوزن	*			
	سگ؟	*	*	*	*
	اسب	*	*		*
	پرنده				
نقوش نمادین و هندسی		*	*	*	*
شبهه نفر	کوبشی	*	*	*	*
	خطی				*
	سایشی	*	*	*	*
اشیاء و ابزارآلات	نیزه				*
	کمان	*			*
	چوبدستی				*
صحنه‌ی شکار	*			*	
اسب‌سواری	*	*		*	*
فنجان‌نما	*			*	*
سنگ نبشته	*	*	*	*	*

جدول ۴. مشخصات و ویژگی‌های کلی سنگ‌نگاره‌های شهرستان بروچرد (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گاهنگاری سنگ‌نگاره‌ها

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های بروجرد نیز به‌مانند نقوش مشابه دیگر در سایر نقاط ایران و جهان ساده نیست و مسئله‌ی تاریخ‌گذاری آن‌ها پیچیده و مبهم است؛ چون که مشابه این‌گونه نقوش از دوران پارینه‌سنگی تا به امروز کماکان ادامه دارد و محققین نیز تا به حال نتوانسته‌اند برای گاهنگاری و تعیین قدمت دقیق نقوش صخره‌ای به نتیجه‌ای مشخص برسند. در مجموع برای به‌دست آوردن یک گاهنگاری منسجم می‌بایست همه‌ی جوانب نقوش هم‌چون نوع تکنیک به‌کار برده شده در ایجاد نقوش، عمق نقوش، توجه به جنس سنگی که نقوش روی آن حک شده‌اند و روند فرسایشی آن در شرایط آب‌وهوایی مختلف و دیگر داده‌های هماهنگ، منسجم و مرتبط به هم ملاک قرار گیرد (محمدی‌قصریان و نادری، ۱۳۸۶: ۶۳). بیشتر پژوهشگران، هنرهای صخره‌ای و به‌ویژه سنگ‌نگاره‌ها را به مردمان پیش‌ازتاریخ نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که مطالعات جدیدتر نشان می‌دهد بسیاری از این نقوش به ادوار تاریخی و حتی دوره‌های جدیدتر تعلق دارند (Bednarik, 2003). به‌طور کلی به نظر می‌رسد در بین انواع روش‌های نوین آزمایشگاهی که برای تعیین سن چنین سنگ‌نگاره‌هایی پیشنهاد شده، هنوز مطمئن‌ترین روش همان رویکرد سنتی مقایسه‌ای باشد (ویالو، ۱۳۷۷). در روش تاریخ‌گذاری نسبی می‌توان از صحنه‌های روایی (موضوعی) و در واقع از خود تصاویر کمک گرفت که در این روش، ارتباط این نقش‌ها می‌تواند یک بازه‌ی زمانی برای نقوش را مشخص سازد.

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر آن رفت، بیشترین تعداد سنگ‌نگاره‌ها مربوط به نقش بز و بزکوهی هستند که تقریباً در ۸۰۰۰ ق. م. اهلی شده است؛ از دیگر حیواناتی که نگاره‌ی آن در منطقه‌ی مورد مطالعه وجود دارد، نقش سگ است که این حیوان نیز تقریباً در ۱۰۰۰۰ ق. م. اهلی شده است (Diamond, 1999: 167). «فرانک هول» نیز معتقد است که قدیمی‌ترین تصویر سگ شناسایی شده در ایران مربوط به میانه‌ی هزاره‌ی ششم ق. م. است که بر روی سفال‌های تپه سبز و چغامیش نقش شده است (وحدتی، ۱۳۸۹). هم‌چنین وجود نگاره‌ی اسب و حضور انسان سوار بر اسب و اسب‌سان مربوط به بعد از اهلی شدن اسب است که این حیوان به‌طور تقریبی در ۴۰۰۰ ق. م. اهلی شده است (Diamond, 1999: 167) و حیوانی است که برای تعقیب و صید شکار بسیار کارآمد است و این حیوان در خاورمیانه، مصر و هندوستان، پس از حملات طوایف آریایی از استپ‌های شمالی، در دومین هزاره‌ی قبل‌ازمیلاد شناخته شد (هال، ۱۳۹۰: ۲۴). در برخی از نگاره‌ها، نقش تیر و کمان قابل مشاهده است که بیانگر تأکید ایجادکنندگان نگاره‌ها بر موضوع شکار است که به عقیده‌ی محققینی مانند «چایلد»، استفاده از تیر و کمان از دوران میان‌سنگی رایج شده است (چایلد، ۱۳۵۷: ۷۷).

موضوع کاملاً جدید در گاهنگاری نسبی نقوش مرتبط با گُل سنگ‌هاست که بر روی برخی از نقوش، گل‌سنگ‌هایی به رنگ‌های متفاوت (سبز، سیاه، نارنجی و سفید) را می‌توان مشاهده نمود که با در نظر گرفتن طول عمر گُل سنگ‌ها می‌توان

به تقدم و تأخر زمان ایجاد نقوش نسبت به هم پی‌برد؛ به طوری که گل‌سنگ‌های سبز جدیدتر از نارنجی و گل‌سنگ‌های نارنجی جدیدتر از گل‌سنگ‌های سفید می‌باشد که البته با در نظر گرفتن طول عمر گل‌سنگ‌ها و مشخص شدن مدت زمان تغییر رنگ، این روش می‌تواند مؤثر واقع شود (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۶: ۲۳). در سنگ‌نگاره‌های بروجرد شرایط آب‌وهوایی و اقلیمی مشابه در این ۵ محدوده وجود داشته و دارد، اما با دقت در میزان متفاوت هوازدگی و رسوبات شکل گرفته بر روی سنگ‌نگاره‌ها می‌توان آن‌ها را به دوره‌های مختلفی تاریخ‌گذاری نمود (با توجه به این‌که در برخی از تخته‌سنگ‌ها، نگاره‌ها در چندین دوره بر روی هم‌دیگر ایجاد شده‌اند (تصاویر ۲، ۴، ۵ و ۱۱)). البته در این راستا افراد متخصص عقیده دارند که بدون انجام مطالعات آزمایشگاهی نمی‌توان تاریخ‌گذاری دقیقی بر آن‌ها ارائه داد؛ بنابراین به دلیل عدم وجود مطالعات آزمایشگاهی در ایران نمی‌توان تاریخ‌گذاری مطلق در مورد سنگ‌نگاره‌های بروجرد ارائه نمود. اما با استفاده از گونه‌شناسی نسبی می‌توان بازه‌ی زمانی طولانی برای سنگ‌نگاره‌های بروجرد ارائه داد (مثلاً فنجان‌نماها (نوعی از هنر پارینه‌سنگی و قدیمی‌ترین هنر صخره‌ای به شمار می‌روند (Bednarik, 2001)) تا دوره‌ی معاصر که نوشته‌های با تاریخ معاصر بر روی سنگ‌ها قابل مشاهده است).

نتیجه‌گیری

با وجود بررسی‌ها و فعالیت‌های باستان‌شناختی انجام شده در شهرستان بروجرد، نقوش صخره‌ای این منطقه کماکان ناشناخته باقی مانده و یا به دلایلی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و از آنجایی‌که این سنگ‌نگاره‌ها در فضای باز قرار دارند؛ لذا تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی، خوردگی، فرسایش و سایر عوامل انسانی بر آن‌ها تأثیر گذاشته و بسیاری از آن‌ها در حال تخریب و نابودی است. سنگ‌نگاره‌های بروجرد عمدتاً به صورت نقوش مسبک نمایش داده شده است. هم‌چنین نقوش در این مجموعه‌ها به صورت دو بُعدی ایجاد شده‌اند و اثری از نمایش سه بُعدی و واقعیت‌گرایی نیست. نقوش این مجموعه شامل گروه‌های نقوش حیوانی (بزسانان، سگ‌سانان، گوزن و...)، انسانی، نمادین، نبشته‌ها و هندسی و فنجان‌نماهاست که تنوع گونه‌های نقش‌مایه‌ی این مجموعه نشان از غنای فرهنگی و تاریخی و هنری سنگ‌نگاره‌های این منطقه دارد. سنگ‌نگاره‌های بروجرد از نظر شیوه‌ی ایجاد، نوع نقش‌مایه و محتوای، بیشترین شباهت را با سنگ‌نگاره‌های غرب ایران به ویژه سنگ‌نگاره‌های آرگس سفلی ملایر و ازندریان ملایر دارد. سنگ‌نگاره‌های بروجرد عمدتاً در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای قرار دارند که در حقیقت مناطق مناسبی برای دامداری هستند. سنگ‌نگاره‌های بروجرد همگی در مجاورت منابع آبی مختلف (آبشخورهای طبیعی، رودخانه‌های فصلی، چشمه و...) و مناطق بی‌یاقی قرار دارند. با توجه به مکان‌های قرارگیری این سنگ‌نگاره‌ها، شاید با احتیاط بتوان گفت که ایجادکنندگان این نقوش گروه‌های مختلفی هم‌چون: عشایر، چوپانان، شکارگران، کتیرا زنان و یا گروه‌هایی از این

قبیل بوده‌اند که در این مناطق حضور داشته‌اند و بدون در نظر گرفتن تکنیک‌های هنری (طبیعت‌گرایی، سه‌بُعدی سازی و...)، نقوش را ایجاد کرده‌اند و هدف ایجادکنندگان این نقوش برای ما مبهم و ناشناخته است. در مورد تاریخ‌گذاری این نقوش بایستی متذکر شد که با توجه به وجود نداشتن تجهیزات آزمایشگاهی، تاکنون هیچ‌گونه تاریخ‌گذاری مطلق انجام نگرفته است و تاریخ‌گذاری نسبی برای آن‌ها می‌توان ارائه نمود که می‌توان بازه‌ی زمانی دوره‌ی نوسنگی تا زمان معاصر را برای سنگ‌نگاره‌های بروجرد ارائه نمود.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقایان ولی‌الله تیموری، مهرداد زرین‌جویی و حجت‌الله یارمحمدی به خاطر راهنمایی‌ها و بازدید از نقوش صخره‌ای نهایت تشکر را داشته باشند.

پی‌نوشت

۱. برای تاریخ‌گذاری در مورد آثار نقاشی روی صخره‌ای با نمونه‌برداری رنگ‌دانه‌ها که این رنگ‌دانه‌ها دارای ذرات آلی هستند که روش (AMS - C14) که روش مطمئنی و قابل اعتماد و تاریخ‌گذاری مطلق در میان رشته‌های باستان‌شناسان، زمین‌شناسان، زمین‌ریخت‌شناسان است، می‌توان گاهنگاری کرد (Bewley, 1984). اما روش دیگری برای آثار فاقد نقاشی با رنگ‌دانه‌ها که به صورت نقوش کنده‌اند وجود دارد. در این روش، از رسوبات انباشتی روی قسمت‌هایی که به مرور زمان روی آثار کنده را پوشانده‌اند و نیز از پوشش‌هایی که باعث ایجاد رنگ‌های قهوه‌ای و سیاه رنگ شده‌اند، استفاده می‌شود (محمدی‌قصریان، ۱۳۸۶: ۱۶).

کتابنامه

- افضل‌طوسی، عفت‌السادات، ۱۳۹۱، «گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان». فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نگره، سال ۷، شماره‌ی ۲۱، صص: ۶۷-۵۴.
- ایزدپناه، حمید، ۱۳۴۸، «نقاشی‌های غار دوشه در لرستان». مجله‌ی باستان‌شناسی و هنر، شماره‌ی ۴، صص: ۵۹-۱۳.
- ایزدپناه، حمید، ۱۳۴۸، «نقاشی‌های پیش‌ازتاریخ در غارهای لرستان». مجله‌ی باستان‌شناسی و هنر، شماره‌ی ۳، صص: ۱۱-۶.
- ایزدپناه، حمید، ۱۳۷۶، آثار باستانی و تاریخی لرستان. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بختورتاش، نصرت‌الله، ۱۳۶۵، گردونه خورشید یا گردونه مهر. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی.
- بورنی، مک، ۱۳۴۸، «گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت». ترجمه‌ی ذبیح‌الله رحمتیان، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره‌ی ۳، صص: ۱۶-۱۴.
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ و بیک‌محمدی، نسربین، ۱۳۹۱، «معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B ارگس سفلی (ملایر - همدان)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شماره‌ی ۲، صص: ۱۲۱-۱۴۰.

- بیگلری، فریدون؛ مرادی بیستونی، علیرضا؛ و جمشیدی، فریدون، ۱۳۸۶، «گزارش بررسی نقوش غار چشمه سهراب (مرآوزا) دینور-کرمانشاه». باستان پژوهی، دوره‌ی جدید، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۶۱-۵۵.
- چایلد، گوردون، ۱۳۵۷، انسان خود را می‌سازد. ترجمه‌ی احمد کریمی حکاک و محمد هل اتایی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۴، سنگ‌نگاره‌های ارسباران. چاپ اول، تهران: انتشارات میراث‌فرهنگی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۸۳، «هنر صخره‌ای در شمال غرب ایران، سنگ‌نگاره‌های هوراند لقلان». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی غرب کشور، به‌کوشش: دکتر مسعود آذرنوش، صص: ۱۱۱-۱۲۲.
- روستایی، کوروش، ۱۳۸۶، «معرفی نقوش نویافته در کوه دختر رشم، دامغان». باستان پژوهی، دوره‌ی جدید، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۹۵-۹۰.
- سبزی‌دوآبی، موسی؛ همتی‌ازندریانی، اسماعیل؛ و میری، فرشاد، ۱۳۹۴، «مر کاظم خان». چکیده مقالات پنجمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شیدرنگ، سونیا، ۱۳۸۶، «نقوش صخره‌ای میوله؛ نویافته‌های در شمال کرمانشاه». باستان پژوهی، دوره‌ی جدید، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۶۱-۵۵.
- صراف، محمدرحیم، ۱۳۷۶، «نقوش حکاکی شده در دیوین الوند همدان». گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، صص: ۳۱۰-۳۰۴.
- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۶، موزه‌هایی در باد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی و هنر، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۶، «معرفی نقوش صخره‌ای نویافته در سیرجان و شهر بابک کرمان». مجله‌ی میراث‌فرهنگی، شماره‌ی ۱۷، صص: ۱۲-۱۹.
- قسیمی، طاهر، ۱۳۸۶، «اشاره به پیشینه‌ی پژوهش در نقوش صخره‌ای ایران». باستان پژوهی، شماره‌ی ۳، صص: ۱۸-۱۹.
- قسیمی، طاهر، ۱۳۸۵، «بررسی و مطالعه‌ی نقوش صخره‌ای در استان کردستان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).
- قسیمی، طاهر، ۱۳۸۶، «اشاره‌ای به پیشینه پژوهش در نقوش صخره‌ای ایران». باستان پژوهی، دوره‌ی جدید، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۲۰-۱۸.
- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ و پایلی‌یزدی، لیلی، ۱۳۸۰، «سنگ‌نگاره‌های تازه کشف‌شده‌ی هومیان». انسان‌شناسی، سال ۱، شماره‌ی ۲، صص: ۸۴-۱۰۰.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ و بشاش، رسول، ۱۳۷۳، سنگ‌نگاره‌ی لاخ‌مزار بیرجند. چاپ اول، تهران: انتشارات میراث‌فرهنگی.
- لحافیان، جمال، ۱۳۷۹، «سنگ‌نگاره‌های پیش‌ازتاریخ کردستان». فصل‌نامه‌ی فرهنگی هنری اجتماعی فرهنگ کردستان، شماره‌ی ۴-۳، صص: ۱۹-۱۴.

- لورا گوران، آندره، بی‌تا، دانسته‌ها و ندانسته‌های تاریخ هنر. ترجمه‌ی نورالدین فرهیخته، بی‌جا، انتشارات پوشش.
- محمدی قصریان، سیروان، ۱۳۸۵، «نقوش صخره‌ای کوه قلعه‌بزی اصفهان». باستان‌پژوهی، دوره‌ی جدید، سال ۱، شماره‌ی ۱، صص: ۶۵-۶۲.
- محمدی قصریان، سیروان؛ و نادری، رحمت، ۱۳۸۶، «بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای خره هنجیران (مهاباد)». باستان‌پژوهی، سال ۲، شماره‌ی ۳، صص: ۶۱-۶۴.
- محمدی فر، یعقوب؛ و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، ۱۳۹۳، «معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره‌ی ۶۴، صص: ۴۰-۶.
- محمدی فر، یعقوب؛ و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، ۱۳۹۶، سنگ‌نگاره‌های استان همدان. انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان.
- مشیری، سید رحیم، ۱۳۸۰، جغرافیای کوچ‌نشینی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ناصری‌فرد، محمد، ۱۳۸۸، سنگ‌نگاره‌های ایران (نمادهای اندیشه‌نگار). خمین.
- وحدتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، بوم‌های سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگسلوی علیا). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان شمالی با همکاری حوزه‌ی اداره کل روابط عمومی، امور فرهنگی و اجتماعی- اداره برنامه‌ریزی نشر.
- ویالو، دنی، ۱۳۷۷، «تخیل پیش‌ازتاریخی». ترجمه‌ی علی مستشاری، پیام یونسکو (ویژه‌نامه‌ی هنر آغازین، نقاشی و کنده‌کاری صخره‌ای)، شماره‌ی ۳۳۵، صص: ۱۷-۲۲.
- هال، جیمز، ۱۳۹۰، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه‌ی رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هینلز، جان، ۱۳۷۴، شناخت اساطیر ایران. ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.

- Bahrami, M. & Sabzi, M., 2019, "Nargeseh: newly found rock art in Lorestan Province, western Iran". *Rock Art Research*, No. 36(1), Pp: 1-3.
- Bewley, R. H., 1984, "The Cambridge University archaeological expedition to Iran 1969, Excavations in the Zagros Mountains: Houmian, Mir Malas and Barde Spid". *IRAN*, No. 22, Pp: 1-38.
- Diamond, J., 1999, *Guns, Germs and Steel: The Fates of Human Societies*. New York, W. W. Norton & Company. USA.
- Bednarik, R. G., 2001, "Cupuls: the oldest surviving rock art", *International Newsletter on Rock Art*, No. 30, Pp: 18-23.
- Bednarik, R. G., 2003. "The earliest evidence of palaeoart". *Rock Art Research*, Vol. 20, No. 2, Pp: 89-135.
- Dessau, G., 1960, "Rock Engravings (Graffiti) from Iranian

Bäluchistan". *East and West*, Vol. 11, No. 1, Pp: 258-266

- Ghasimi, T., 2007, "La gravures rupestres d'Uraman (Iran)". *Préhistoire, art et société*, LXII, Pp: 89-106, Bulletin de la Société préhistorique Ariège-Pyrénées.

- Hemati Azandaryani, E.; Mohamadifar, Y.; Hejebri Nobari, A. R. & Khanali, H., 2015, "Azandaryan: newfound petroglyphs in Hamadan, western Iran". *Rock Art Research*, No. 32(2), Pp: 202-206.

- Hemati Azandaryani, E.; Rahmani, E.; Masjedi Khak, P. & Aliei, M., 2014, "The newfound petroglyphs in Dostali valley of Hamadan, western Iran". *INORA*, No. 69, Pp: 13-18.

- Hemati Azandaryani, E.; Rashidi Nezhad, M.; Qolami, H. & Shaabani, M., 2016, "New Petroglyphs at Ali-Abad and Arzanpoul (Arzanfoud) in the Hamadan Province, Western Iran". *Inora*, No. 74, Pp: 11-13.

- Lahafian, J., 2010, "Cupules in Kurdistan Rock Art". *Rock Art Research*, No. 27 (2), Pp: 177-183.

- Otte, M.; Adeli, J. & Remacle, L., 2003, "Art rupestre de l'ouest iranien". *INORA*, No. 37, Pp: 8-12.

- Rashidi Nejad, M.; Salehi, A. M. & Veisi, M., 2012, "Cheshmeh Malek and Dareh Divin". *Journal of INORA*, No. 62, Pp: 11-14.

- Remacle, L.; Lejeune M.; Adeli J.; Mohamadi S. & Otte, M., 2006, "Art rupestre de Houmian, Province de Luristan, Iran". *Anthropozoologica*, No. 41 (2), Pp: 13-27.

- Remacle, L.; Adeli, J.; Lejeune, M.; Mohamadi, S. & Otte, M., 2007, "New field Research on Houmian Rock-art, Luristan province, Iran". *Bastanpazhoi*, No. 2(3), Pp: 9-17.

- Sabzi, M. & Hemati Azandaryani, E., 2017, "Bichoun: newfound rock art at Boroujerd, Lorestan Province, western Iran". *Rock Art Research*, No. 34(1), Pp: 2-4.

- Sabzi, M.; Tajbakhsh, R. & Rezaei Azandaryani, H., 2018, *Investigation and analysis of rock arts at Dodangeh, Borujerd, Western Iran, The 11th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East*, 03 07 April 2018, Ludwig-Maximilians-Universität Munich.